

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه مطلب ششم: مدلول امر عقیب الحظر

در گذشته بیان گردید که بحث در مطلب ششم راجع به مدلول امری است که پس از حظر یا توهم حظر واقع شده است. بیان شد که بحث از این مطلب ذیل چند امر قابل تعقیب است. امر اول، دوّم و سوّم یعنی پیشینه تاریخی بحث، تحریر محلّ نزاع و بیان اقوال در مسأله و قول مختار مفضلاً مورد بررسی قرار گرفتند و به این نتیجه رسیدیم که هیچ تغییری در مدلول ظهوری امری که پس از حظر واقع شده، ایجاد نشده، بلکه نهایتاً به جهت حکم عقل به عدم امکان اجتماع دو حکم متضاد در موضوع واحد، امر پس از حظر دلالت بر رفع منع نیز دارد. در ادامه به بیان ثمرات فقهی مسأله می پردازیم.

تتمّة: ثمرات المسألة

بحث از مدلول امر واقع عقیب الحظر یا توهم الحظر و اختیار مبنای خاص در این جهت، از جمله مسائل اصولی است که مانند مباحث گذشته، بر خوردار از ثمرات فقهی متعدّدی می باشد. از باب نمونه به چند مورد اشاره می کنیم.

ثمره اول: مسأله اقعاد میّت در حال غسل

اختلاف است در اینکه آیا به هنگام غسل میّت، اقعاد و نشاندن، واجب است یا جایز؟ در روایتی امام «علیه السلام» از اقعاد میّت به هنگام غسل نهی نموده و فرموده اند «وَإِيَّاكَ أَنْ تُقْعِدَهُ»^۱ و در روایت دیگری که بعد از آن قرار گرفته، امام «علیه السلام» به اقعاد میّت امر نموده و فرموده اند «أَقْعِدْهُ»^۲. در اینجا بنا بر دلالت امر بعد از حظر بر وجوب، باید قائل به وجوب اقعاد شد و اثبات عدم وجوب یا نیازمند قرینه ای است که بر استعمال این امر در عدم وجوب دلالت نماید و یا نیازمند ادله دیگری می باشد؛ و اما بنا بر قول به دلالت امر بعد از حظر بر مجرّد رفع المنع و اباحه بالمعنی الاعم، تنها حکم به عدم منع میسر بوده و اثبات وجوب، استحباب و یا اباحه بالمعنی الاخصّ، نیازمند دلیل دیگری است؛ و اما بنا بر قول به دلالت امر بعد از حظر بر استحباب، طبعاً باید حکم به استحباب اقعاد نمود^۳.

۱ - الکافی، طبعة دار الحديث، جلد ۵، صفحه ۳۷۱.

۲ - تهذیب الاحکام، تحقیق خراسان، جلد ۱، صفحه ۴۴۶.

۳ - استاد معظم در خلال مباحث فرمودند: «بیان این مطلب بعد از فرض صحت هر دو روایت از جهت صدور می باشد. زیرا بعضی از فقها روایت دوّم را حمل بر تقیّه نموده اند». مثلاً مرحوم شیخ طوسی در استبصار، جلد ۱، صفحه ۲۰۶، ذیل روایت مذکور می فرمایند: «مَا تَصَمَّنَ هَذَا الْخَبَرُ مِنْ قَوْلِهِ أَقْعِدْهُ مُوَافِقٌ لِلْعَامَةِ وَ لَسْنَا نَعْمَلُ بِهِ».

نمره دوّم: مسأله زیارت قبور

در روایت نبوی وارد شده است که حضرت رسول «صلوات الله علیه و آله و سلم» می فرمایند: «نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا قَرْوُوهَا»^۱. در اینجا نیز امر بعد از نهی واقع شده و بنا بر دلالت امر بعد از حظر بر وجوب، باید قائل به وجوب زیارت قبور شویم و اثبات استحباب زیارت قبور یا نیازمند قرینه ای است که بر استعمال این امر در عدم وجوب دلالت نماید و یا نیازمند ادله دیگری است همچون تعلیلاتی که در روایات دیگر در جهت ترغیب و تشویق به زیارت قبور وارد شده و یا سیره مسلمین؛ همانطوری که بنا بر قول به دلالت امر بعد از حظر بر مجرّد رفع المنع و اباحه بالمعنی الاعم، تنها حکم به عدم منع میسر بوده و اثبات وجوب، استحباب و یا اباحه بالمعنی الاخصّ، نیازمند دلیل دیگری است؛ و اما بنا بر قول به دلالت امر بعد از حظر بر استحباب، نفس این امر دلالت بر استحباب زیارت قبور دارد.

نمره سوّم: مسأله خوردن گوشت قربانی

رسول مکرم اسلام «صلی الله و آله و سلم» فرموده اند «نَهَيْتُكُمْ عَنْ إِخْرَاجِ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ مِنْ مَنَى بَعْدَ ثَلَاثٍ إِلَّا فَكَلُوا وَادَّخَرُوا»^۲. در اینجا چنانچه قائل به دلالت امر بعد از حظر بر وجوب شویم باید بگوئیم خوردن مقداری از گوشت قربانی برای حاجی و مالک واجب است، همانطور که بزرگانی همچون محقق حلی «رحمة الله علیه» در شرایع^۳، علامه «رحمة الله علیه» در مختلف^۴ و قواعد^۵، شهید اول «رحمة الله علیه» در دروس^۶، شهید ثانی «رحمة الله علیه» در مسالک^۷ و بسیاری دیگر، قائل به وجوب آن شده اند؛ و اما بنا بر قول به دلالت امر بعد از حظر بر استحباب، نفس این امر دلالت بر استحباب آن دارد؛ و اما بنا بر قول به دلالت امر بعد از حظر بر مجرّد رفع المنع و اباحه بالمعنی الاعم، تنها حکم به عدم منع میسر بوده و اثبات وجوب، استحباب و یا اباحه بالمعنی الاخصّ، نیازمند دلیل دیگری است.

۱ - وسائل الشیعة، جلد ۱۴، صفحه ۱۷۰، باب جواز اکل لحوم الاضاحی بعد ثلاثة ايام و ادخارها، حدیث ۷.

۲ - وسائل الشیعة، جلد ۱۴، صفحه ۱۷۱، باب جواز اکل لحوم الاضاحی بعد ثلاثة ايام و ادخارها، حدیث ۷.

۳ - شرایع جلد ۱، صفحه ۲۳۶: «و يستحب أن يقسمه ثلاثا يأكل ثلثه و يتصدق بثلثه و يهدي ثلثه و قيل يجب الأكل منه و هو الأظهر».

۴ - ایشان در مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، جلد ۴، صفحه ۲۸۵، پس از بیان اقوال مختلف در مسأله، می فرمایند: «و قال ابن إدريس: و أما هدي المتمتع و القارن فالواجب أن يأكل منه و لو قليلا، و يتصدق على القانع و المعتر و لو قليلا للآية، و هو قوله تعالى: «فَكُلُوا مِنْهَا وَ اطْعِمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ» (۹)، و هو الأقرب للأمر، و أصل الأمر للوجوب».

۵ - ایشان در قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، جلد ۱، صفحه ۴۴۱، در مسأله «صفات الهدی و کیفیت الذبح» می فرمایند: «يستحب ... و قسمته أثلاثا بین الأكل و الهدی و الصدقة، و الأقوى وجوب الأكل».

۶ - ایشان در الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، جلد ۱، صفحه ۴۳۹، می فرمایند: «و يجب أن يصرفه في الصدقة و الإهداء و الأكل، و ظاهر الأصحاب الاستحباب».

۷ - ایشان در مسالک الافهام الی تنفیح شرایع الاسلام، جلد ۲، صفحه ۳۰۳، ذیل قول مصنف «و يستحب أن يقسمه أثلاثا، يأكل ثلثه، و يتصدق بثلثه، و يهدي ثلثه» می فرمایند: «الأصح وجوب الأمور الثلاثة».

خارج اصول، سال پنجم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی مرحوم نراقی^۱ و صاحب ریاض^۲، این مورد را از موارد وقوع امر بعد از توهم حظر دانسته اند نه بعد از حظر و می فرمایند: چون در امت های پیشین زنان را از خوردن گوشت قربانی نهی می کردند و در میان مسلمانان، توهم منع از اکل برای آنان وجود داشت، این امر صادر شده است و در قرآن هم وارد شده است «فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعِمُوا»^۳ و به همین لحاظ این امر نهایت چیزی را که دلالت می نماید اباحه است و لذا به فرمایش اعظمی که قائل به وجوب اکل شده اند ایراد گرفته اند.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين»

۱ - مستند الشيعة في احكام الشريعة، جلد ۱۲، صفحه ۳۳۱ و ۳۳۲.

۲ - ایشان در ریاض المسائل، جلد ۶، صفحه ۴۳۰ ابتدائاً می فرمایند: «و قيل: يجب الأكل منه و هو الحلّي كما عرفت، و تبعه من المتأخرين جماعة؛ لما ذكره من الأمر به في الآية الشريفة، مضافاً إلى الأمر به في الصحيح أو الموثق: «إذا ذبحت أو نحرث فكل و أطمع كما قال الله تعالى: فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعِمُوا الْفَانِعَ وَ الْمُفْتَرَّ...». سپس در مقام نقد این نظریه بر آمده و می فرمایند: «و يضعف: بمنع إفادة الأمر الوجوب هنا، أما أولاً فلوروده مورد توهم الحظر، كما ربما يستفاد من تتبع الأخبار، و صرح به جمع، منهم الفاضل المقداد في كنز العرفان، و حكاه بعض عن صاحب الكشف، فقالا: كانت الأمم قبل شرعنا يمتنعون من أكل نسانكهم، فرفع الله الحرج عنهم من أكلها. فلا يفيد سوى الإباحة، كما قرّر في محله».

۳ - حج/۳۶.